

آیاسن ازدواج

پسران و دختران

باید افزایش یابد؟

برای آن حد و مرزی تعیین کنیم؛ بلکه يك امر طبیعی و فطری است و از قلمرو اختیار و انتخاب ما بیرون می‌باشد و هر دختر و پسر در سنین خاصی از عمر خود، به حد بلوغ می‌رسد، و فصل تازه‌ای از زندگی به روی او گشوده می‌شود.

کتاب طبیعت آغاز این فصل از زندگی را، پیش از مامعین کرده است، و باقضاءنامه‌ها و تصویبنامه‌های ما؛ يك وجب هم عقب‌نشینی نمی‌کند!

بلوغ در انسان با تغییرات جسمی و روحی عمیقی آغاز می‌گردد، قد و قامت تغییر می‌کند، نیروی انسانی رو به فزونی می‌گذارد؛ شکل اعضاء با گذشته کاملاً

یکی از خوانندگان گرامی سؤال می‌کند: اخیراً گفته‌گویی درباره افزایش سن ازدواج، در جرائد به چشم می‌خورد، حتی گفته می‌شود سمناری برای همین موضوع تشکیل گردیده، و قطعنامه‌ای نیز در این زمینه صادر شده است و گویا جمعی از جوانان تصویب کرده‌اند که سن ازدواج پسران سی سالگی! و دختران بیست و پنج سالگی! باشد لطفاً نظر خود را در این زمینه تشریح نمایید.

* * *

پاسخ: اولاً بلوغ و سن ازدواج دختران و پسران يك موضوع قرار دادی نیست که بنشینیم

گفتن چیزی نیست.

قطعه نامه این سمینار بسان این است که مرغداران کشور دور هم گرد آیند و بگویند چون دنیا با بحران اقتصادی گوشت رو بر و است و نیاز مبرم به وجود مرغ داریم، از این بیعد مرغها باید به جای بیست و یک روز، ده روز روی تخمها بنخواهند تا تولید مرغ به دو برابر افزایش یابد!

اینکه رسول خدا (ص) می فرماید: ولاتعدوا الایام فته ادیکم: بازمان ستیزه مکنید که با شما ستیزه میکند، مقصود این است که با سنن خلقت جنگ نکنید زیرا نبرد با آن جز مغلوبیت و شکست نتیجه ای ندارد.

ثانیاً: در تدوین قانون باید همه جوانب را در نظر گرفت زیرا معدل سن بلوغ جنسی، درد دختران کشور ما ۱۴ و در پسران ۱۶ می باشد در این فصل از زندگی تمایلات جنسی آنها بیدار می شود و هر گاه سن ازدواج را بالا ببریم، تکلیف دختران و پسران در این مدت محرومیت چیست؟ یا باید تن به آمیزشهای نامشروع بدهند و سرانجام هزاران مصائب دامنگیر اجتماع گردد یا مقاومت طولانی در برابر آتش غریزه جنسی کنند که به فرض ممکن بودن برای همه افراد اعصاب آنها را خرد می کند.

ثالثاً: هیچ می دانید که ازدواج و همسرگزینی موجب شکفته شدن استعداد های نهفته است و افراد متاهل بهتر از افراد مجرد، فکر می کنند، و جوانی که در کانون وجود او آتش شهوت زبانه می کشد،

تغییر پیدا می کند، تمایلات خاصی در انسان برای گسترش زندگی بیدار می شود؛ احساسات جنسی همچون شکوفه های بهاری شکفته می شود، احساس همسر خواهی روز بروز روبه افزایش گذارده، و استخوانها درشت شده و دگرگونی روشنی در آهنگ صدا پدید می آید.

بنابر این، کتاب آفرینش این حد و مرز از زندگی را با خط برجسته ای بر صفحه وجود ما نوشته است، و ما برای واقع بینی بجای رجوع به سخنان این و آن، باید کتاب آفرینش را باز کرده، برک مربوط به دوران بلوغ و بحران تمایلات جنسی را، با دقت مطالعه کنیم و سن قانونی ازدواج را بر اساس سن خلقت؛ و قانون آفرینش، تعیین نمائیم، و از هر نوع خیالبافی و فلسفه تراشی خودداری کنیم.

کسانی که از مطالعه کتاب فطرت، و دفتر آفرینش سر بازمی زنند، و مسأله بلوغ را یک امر قراردادی تلقی می نمایند، و تصور می کنند که واقعیات و حقایق، تابع اندیشه و قرارداد آنها است، با سن آفرینش به جنگ برخاسته، و سرانجام مغلوب می شوند، زیرا سن خلقت با گفت و شنود افراد غافل از اصول خلقت، دگرگون نمی گردد.

همانطور که تکامل یک جنین در رحم در نه ماه و چیزی انجام می گیرد، و هر گاه گروهی بنشینند قانونی وضع کنند که از این بیعد جنین باید در رحم مادر، در مدت یکسال تکامل پیدا کند، کار بیهوده ای انجام داده اند همچنین دخل و تصرف در حد بلوغ که یکی از سن آفرینش است جز بیهوده -

و وسیله مشروع برای اطفاء آن ندارد، نمی‌تواند صحیح و آرام‌فکر کند؟

این حقیقتی است که برخی از روانشناسان به آن اعتراف کرده و آزمایشهایی روی آن انجام داده‌اند.

و اگر بالا بردن سن ازدواج برای جلوگیری از افزایش جمعیت است؛ برای حل این مشکل به طور مکرر راه‌های نشان‌داده و طرح‌هایی در این مجله پیشنهاد شده‌است خوبست برای رفع این نوع بحرانها از طرق صحیح و عقلانی وارد شویم و برای دفع فاسد، به افسدپناه نبریم.

نویسندگان کتب اربعه

چه کسانی بودند؟

سؤال:

یکی دیگر از خوانندگان گرامی سؤال میکند: در کتابهای مذهبی می‌خوانیم که در جهان شیعه «چهار کتاب» مهم و معتبر و بسیار ارزش وجود دارد، که از روز نگارش تا کنون، مرجع علماء و بزرگان در اصول عقائد، و مدرک احکام و فروع علمی برای مراجع تقلید می‌باشند، این چهار کتاب در میان کتابهای دیگر شیعه، امتیاز خاصی دارند اطلاعات فشرده‌ای درباره این کتابها و اسامی

نویسندگان آنان در اختیار ما بگذارید:

پاسخ: پس از درگذشت پیامبر عالیقدر اسلام شعیبان، علی (ع) به پیروی از خود آن حضرت، به ضبط احادیث پیامبر و جانشینان وی، همت گماردند، آنان (برخلاف اهل تسنن، که پس از درگذشت پیامبر تا زمان عمر بن عبدالعزیز یعنی قریب نود سال از نوشتن احادیث پیامبر خودداری نمودند)؛ با پشتکار فوق‌العاده‌ای به ضبط و نقل احادیث پیامبر و جانشینان او پرداخته و در مدت ۲۵۰ سال یعنی از آغاز درگذشت پیامبر اسلام، تا سال وفات امام حسن عسکری (ع) کتابهای زیادی پیرامون علوم مختلف اسلامی نوشته، و از خود بیادگار گذارده‌اند.

تا آنجا که امروز محققان بزرگ، با دلائل زنده و گویائی ثابت کرده‌اند که اکثر و یا همه پایه‌گذاران علوم اسلامی شیعه بوده، و آنان نخستین افرادی بودند که راه این دانشهای اسلامی را به روی بشر گشوده‌اند (۱) و برای آشنائی به نام و خصوصیات این کتابها به فهرستهایی که از طرف دانشمندان شیعه در قرون اسلامی نوشته شده‌است؛ و بالاخص به کتاب نفیس الذریعه (۲) مراجعه فرمائید.

تنها حضرت صادق (ع) در دوران فترتی که هنوز دولت عباسی قدرت بخود نگرفته بود؛ توانست چهار هزار شاگرد که امروز چهارصد کتاب از آنان

(۱) در این زمینه به کتاب تأسیس الشیعة الکرامل فنون الاسلام، و کتاب الشیعة و فنون الاسلام

نگارشهای علامه کبیر مرحوم سید حسن صدر مراجعه فرمائید.

(۲) اثر ارزنده مرحوم آقا بزرگ تهرانی.

مرحوم ثقة الاسلام محمد بن یعقوب کلینی رازی بود، وی در دوران حیات حضرت عسکری (ع) چشم به دنیا گشود، و در آخرین سال غیبت سفری و یایک سال قبل از آن (۳۲۸-۳۲۹) دیده از جهان بر بست، کتابی که از او بیادگار باقی مانده است همان کتاب «کافی» است که از نظر صحت و اتقان حائز اهمیت فراوانی بوده و پس از قرآن و نهج البلاغه مهمترین کتاب شیعه به شمار می رود.

وی در تألیف این کتاب، رنج فراوانی کشیده و رنج سفرهائی را بر خود هموار نموده است و مجموع احادیث آن ۱۶۶۱۹۹ حدیث است و این تعداد متجاوز از احادیث «صحاح سته» میباشد (۲) و این کتاب برد و بخش تقسیم می شود؛ يك قسمت از آن، مربوط به اصول عقائد، و بخش دیگر آن، مربوط به احکام و فروع است.

قسمت اصول این کتاب نمونه روشنی از علوم و معارف اهل بیت است و سند زنده ای برای امامت و جانشینی آنها از رسول خدا می باشد در این بخش بسیاری از مسائل فلسفی و کلامی مربوط به معارف و عقاید، از طرف پیشوایان ما به طور دلپذیری بحث و بررسی شده است. مرحوم کلینی این کتاب را

بیادگار مانده است، تربیت کند.

پیش از حضرت صادق پدر بزرگوار او، حضرت باقر در سالهای کشمکش بنی امیه و بنی عباس؛ و ایام انقلاب و نهضت های دامنه دار برای برانداختن حکومت جبار بنی امیه، موفق شد شاگردان برجسته ای را تربیت کند، و همچنین تربیت یافتگان سائر پیشوایان دین مانند حضرت موسی بن جعفر (ع)؛ و حضرت رضا (ع)، آثار و کتابهای گرانبهایکه محتویات آنها را از پیشوایان موصوم گرفته بودند، بیادگار گذاردند.

این کتابها که علوم و سخنان اهل بیت در آنها گرد آمده بود، بوسیله دانشمندان شیعه تکثیر شده، و برای فهم معانی و حل معضلات آنها، کلاسهای بنام کلاسهای حدیث تشکیل میشد، و نسخه های آنها در کتابخانه های خصوصی و عمومی ایران و بغداد (۱) فراوان بوده.

اکنون پس از این پیشگفتار فشرده، میخواهیم با نویسندگان «کتاب اربعه» آشنا شویم:

۱- کلینی متوفای سال ۳۲۸

در دوران غیبت سفری نخستین عالم و دانشمند بزرگی، که به جمع و تنظیم بسیاری از این کتابهایی که در عصر «موصومین» نوشته شده بود، پرداخت، و قسمتی از آنها را با نظم خاصی در کتابی گرد آورد،

(۱) مانند بیت الحکمه و کتابخانه شاپور در محل کرخ بغداد که کتابخانه معروف شیعه بود و در

سال ۴۴۸ به وسیله طغرل بك به آتش کشیده شد.

(۲) لؤلؤة البحرين ص ۲۳۸ (منظور از صحاح سته کتابهای ششگانه معروف اهل تسنن در حدیث

است).

احکام و فروع است و مورد اعتماد خود شیخ صدوق می باشد گرد آید ، و کسانی که دسترسی به خود صدوق و یا سائر دانشمندان ندارند به آن کتاب عمل نمایند (۲) این کتاب حاوی ۵۹۶۳ حدیث است ، و دومین مدرک و سند حدیثی ، برای علماء و فقهاء و دانشمندان می باشد .

۳- شیخ طوسی ۳۸۵-۴۶۰

بزرگ دانشمند و پایه گذار دانشگاه دیرینه شیعه در نجف ، مرحوم محمد بن حسن طوسی که در سال ۳۸۵ در طوس دیده به جهان گشود و برای تکمیل تحصیل در سال ۴۰۸ عازم بغداد شد ، و از جلسات درس دو عالم معروف شیعه در قرن پنجم اسلامی یعنی مرحوم شیخ مفید ، و سید مرتضی علم الهدی استفاده های فراوانی نمود ؛ و پس از درگذشت مرحوم سید مرتضی که در سال ۴۳۶ ، رخ داد ، ریاست علمی و مرجعیت شیعه به او انتقال یافت ؛ در عظمت و موقعیت علمی او همین بس که از طرف خلیفه عباسی «القائم بامر الله» با همه مخالفت‌هایی که با مرحوم شیخ طوسی داشت ، کرسی مخصوصی به وی داده شد که روی آن بنشیند و به تدریس بپردازد .

موقعیت شیخ در میان علماء اسلام بسیار کم نظیر است ، وی آثار گرانبهایی از خود در تفسیر و کلام و فقه و اصول و حدیث و غیره به یادگار گذاشته است تنها کتاب تفسیری به نام «التبیان» گواه محکم بر قدرت فکری و وسعت اطلاع وی میباشد .

بنا به درخواست برخی از شیعیان نوشته (۱) و بنا به نقل و نجاشی ، بیست سال تمام در تألیف آن رنج برده است !

علاوه بر این اثر ، کتابهای دیگری نیز به یادگار گذارده و متناسفانه این آثار به مرور زمان از میان رفته است .

۴- شیخ صدوق ۳۰۶-۳۸۱

دومین شخصیتی که پس از کلینی دست به جمع-آوری احادیث اهل بیت پیامبر زد ، استاد حدیث و شیخ شیعه ، مرحوم «محمد بن بابویه» معروف به صدوق است .

صدوق در سال ۳۰۶ دیده به جهان گشوده ، و در سال ۳۸۱ چشم از این جهان بسته و آثار گرانبها و تالیفات ارزنده ای از خود بیادگار گذارده است کتاب «من لایحضره الفقیه» وی دومین کتاب از کتابهای چهارگانه است که بسان کافی مرجع فقهاء شیعه و مصدر احادیث می باشد ؛ هنگامی که شیخ صدوق برای اخذ حدیث و نشر علوم و معارف به سرزمین بلخ مسافرت کرده بود یکی از شخصیت‌های بزرگ شیعه آنجا معروف به «شریف ابو عبدالله نعمت» از وی درخواست نمود که کتابی در فقه شیعه به منوال کتاب «من لایحضره الفقیه» نگارش ابوبکر رازی طبیب معروف عصر خود ، بنویسد و نام آن را «من لایحضره الفقیه» بگذارد و هدف از تألیف این کتاب چنانکه از نام آن برمی آید ، این بود که در این کتاب روایات و احادیث اسلامی که مربوط به

۱- اصول کافی ص ۸ ، رجال نجاشی ص ۲۶۶

۲- مقدمه من لایحضره ، ص ۱

وی کتاب «تهدیب الاحکام» را به درخواست شاگردان حوزه درس خود به عنوان شرح بر رساله «مقنعه» استاد خود «مفید» نوشت، این کتاب سومین کتاب از چهار کتاب معروف شیعه می باشد وی در این کتاب غالباً آن قسمت از احادیثی را که مرحوم کلینی و صدوق موفق به جمع آوری آنها نشده بودند از کتابهای معروف شیعه که در زمان پیشوایان معصوم به وسیله تلامذۀ آنان نوشته شده بود جمع آوری نموده ، و به نام «تهدیب الاحکام» در ۳۹۳ باب منتشر ساخت، شماره احادیث این کتاب (۱۳۵۹۰) می باشد.

دومین کتاب وی که چهارمین کتاب از کتب

اربعه می باشد همان «الاستبصار» است وی در این کتاب همت خود را بر توضیح و تشریح اخباری معطوف داشته است که در آغاز نظر، فهم آنها برای يك فرد محدث و یا مجتهد مشکل و پیچیده می رسد و چه بسا میان دو خبر ، يك نوع اختلاف احساس میکند، او با فکر بلند و اطلاعات وسیع خود ، در این کتاب کوشیده که هر نوع ابهام و اختلاف را از چهره احادیث برطرف سازد این کتاب دارای ۹۲۵ باب و شماره احادیث آن (۶۵۳۱) می باشد. اینست چهار کتاب معروف شیعه، که به وسیله سه شخصیت بزرگ که نام هر سه «محمد» بوده است نوشته شده است.

دو چیز عجیب

پیغمبر اکرم (ص) می فرماید:

غریبتان: کلمه حکمة من سفیه فاقیلوها و کلمه سیئه من

حکیم فاغفروها

: « دو چیز عجیب است: سخن حکمت آمیزی که از ابلهی صادر شود، آنرا

بپذیرید. و گفتار نادردستی که از دانشمندی سرزند آنرا با دیده اغماض بنگرید

و چشم پوشی کنید.»

(از کتاب سخنان، محمد)